

An Analysis of the Dimensions of Child's Social Education Based on the Quran and Letter 31 of Nahj al-Balagha

Fatemeh-Marziyeh Hosseini Kashani  / PhD in Quran and Hadith Sciences, Usul al-Din College of Qom, Researcher at Masoumieh Islamic Research Center fama.hossini@gmail.com

 **Nafiseh Saghafi** / Level 3 in Interpretation, Masoumieh Seminary Higher Education Institute fama.hossini@gmail.com

Received: 2024/03/02 - **Accepted:** 2025/05/05

Abstract

Given the historical importance of education, Islamic sources, including the Quran, narrations and the works of scholars, have had extensive discussions on this vital matter, offering numerous recommendations to educators regarding social education. However, as 'social education' itself is rather a new term, the available data in the written Islamic heritage have not been stated using this term. Therefore, using the descriptive-analytical method, this article attempts to utilize the capacities in Letter 31 of Nahj al-Balagha—which narrates Islam's perspective on social education through the words of Amir al-Mu'minin Ali (AS)—to express the dimensions of social education and point out its Quranic evidence. The findings indicate that in Letter 31 of Nahj al-Balagha, issues pertaining to the social education of children are explained across five dimensions: social cognition, social responsibility, social justice, benevolence and construction, and the regulation of social relations and rules.

Keywords: social education, letter 31 of Nahj al-Balagha, child rearing, dimensions of education, social justice.

نوع مقاله: ترویجی

تحلیل ابعاد تربیت اجتماعی کودک بر اساس قرآن و نامه ۳۱ نهج البلاغه

فاطمه مرضیه حسینی کاشانی  / دکترای علوم قرآن و حدیث دانشکده اصول الدین و پژوهشگر مرکز پژوهش‌های اسلامی معصومیه

fama.hossini@gmail.com

fama.hossini@gmail.com

کلمه نفیسه ثقفی / سطح ۳ تفسیر مؤسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۵

دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲

چکیده

بنا بر اهمیت تربیت در طول تاریخ، منابع اسلامی اعم از قرآن، روایات و آثار اندیشمندان مباحث گسترده‌ای را به این مهم اختصاص داده‌اند و در مباحث مربوط به تربیت اجتماعی توصیه‌های متعددی به مریبان داشته‌اند، اما با توجه به اینکه اصطلاح تربیت اجتماعی قدمت چندانی ندارد در تراث مکتوب اسلامی، داده‌های موجود در این قالب بیان نشده‌اند. از این رو در این نوشتار سعی شده که با بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در نامه ۳۱ نهج البلاغه که دیدگاه اسلام نسبت به تربیت اجتماعی را به بیان امیرالمؤمنین علی^{علیه السلام} روایت می‌کند، ابعاد تربیت اجتماعی با روش توصیفی - تحلیلی بیان گردد و به مستندات قرآنی آن اشاره شود. یافته‌ها بیانگر آن است که در نامه ۳۱ نهج البلاغه، مسائل ناظر به تربیت اجتماعی کودک در پنج بعد معرفت اجتماعی، مسئولیت اجتماعی، عدالت اجتماعی، احسان و سازندگی و تنظیم روابط و مقررات اجتماعی، تبیین شده است.

کلیدواژه‌ها: تربیت اجتماعی، نامه ۳۱ نهج البلاغه، تربیت فرزند، ابعاد تربیت، عدالت اجتماعی.

مقدمه

تربیت از مسائلی است که در طول تاریخ، از جوامع بدوی تا متمدن مورد توجه بشریت بوده است، هر چند بروز و ظهور آن در مکاتب و ادیان و جوامع، متفاوت بوده است. در این میان تربیت فرزندان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به‌طوری‌که آن را به دغدغه‌ای اصلی و مهم برای والدین بدل کرده است.

گسترده‌گی حیطه مطالعاتی تربیت در ابعاد تربیت جسمی، اخلاقی، عاطفی، اعتقادی و اجتماعی نمایان می‌شود و اگرچه هر یک دارای اهمیتی انکارناپذیر هستند، اما بعد تربیت اجتماعی، از مهم ترین ابعاد است؛ چراکه طبیعت خلقت انسان به طوری است که به زندگی در جمع گرایش دارد و بستر اجتماع محلی برای رفع نیازها و شکل‌گیری شخصیت اوست، از جامعه اثر می‌گیرد و بر آن اثر می‌گذارد و اگر تربیت صحیح صورت نگیرد، بروز مشکلاتی انکارناپذیر را برای فرد و اجتماع به همراه خواهد داشت.

بر این اساس، در منابع اسلامی، اعم از قرآن، روایات و آثار اندیشمندان دینی، مباحث گسترده‌ای در زمینه مباحث مرتبط با تربیت اجتماعی وجود دارد و توصیه‌های متعددی به مربیان، اعم از والدین و هر کسی که امر تربیت به او واگذار شده است دارد، اما اصطلاح «تربیت اجتماعی» اصطلاحی است که قدمت چندانی ندارد و داده‌های موجود در تراث مکتوب اسلامی با عنوان «تربیت اجتماعی» بیان نشده است. از این رو پژوهشگران متعددی بر آن شده‌اند، این اطلاعات ارزشمند را بازخوانی و با تحلیل جوانب مختلف آن، برای بهره‌گیری مخاطبان دوران معاصر، به زبان علمی روز عرضه کنند.

در این میان، نهج البلاغه به‌عنوان یکی از کتب حدیثی معتبر، ظرفیت قابل توجهی برای بیان دیدگاه اسلام نسبت به تربیت اجتماعی، به روایت امیرالمؤمنین علی^{علیه السلام} دارد، به‌ویژه نامه ۳۱ نهج البلاغه که نکات تربیتی ارزشمند و فراوانی ضمن آن بیان شده است.

پژوهشگران دیگری در زمینه تربیت اجتماعی به روایت نهج البلاغه، قلم زده‌اند:

مقاله «تبیین مبانی و اصول تربیت اجتماعی در نهج البلاغه» (افخمی اردکانی، ۱۳۸۶)، به بیان مبانی‌ای همچون کرامت، تأثیرگذاری، تأثیرپذیری و اصولی چون عزت، مسئولیت، اصلاح شرایط و روابط پرداخته است.

مقاله «تربیت اجتماعی از منظر نهج البلاغه» (اناری‌نژاد، ۱۳۸۶)، به بررسی مفهوم، اهداف، اصول و روش‌های تربیت اجتماعی پرداخته است.

مقاله «روش‌های تربیت اجتماعی کودک بر اساس قرآن و نهج البلاغه» (حیدری، ۱۳۹۱)، روش‌هایی همچون پیشگیری، عبرت‌آموزی، تشویق، تنبیه را بیان کرده است.

پایان‌نامه «روش‌های تربیت اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه» (اسماعیلی‌فر، ۱۳۹۰)، بعد از واکاوی تربیت اجتماعی از منظر حضرت علی^{علیه السلام} و جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، از روش‌هایی چون پرهیز از تحقیر، محبت و مهرورزی، ابراز توانایی، به‌عنوان روش‌های تربیت اجتماعی نام می‌برد.

مقاله «بررسی تربیت مدنی از دیدگاه امام علی^{علیه السلام} با تأکید بر نهج البلاغه» (بهرام، ۱۳۹۲)، از تحکیم ایمان و عقیده، ترویج اخلاقیات، عدالت و حقوق شهروندی به‌عنوان چهار محور تربیت مدنی در نهج البلاغه نام می‌برد و عوامل و مصادیق آنها را بیان می‌کند.

نویسنده در فصل چهارم کتاب روش‌های تربیت اجتماعی کودکان و نوجوانان بر اساس قرآن و نهج البلاغه (زارع، ۱۳۹۷)، به بررسی ماهیت، اهداف، اصول و روش‌های تربیت اجتماعی پرداخته است.

اما این آثار علمی، با تمرکز بر نامه ۳۱ نهج البلاغه، ابعاد تربیت اجتماعی را به بحث نگذاشته و آن را تحلیل نکرده‌اند؛ حال آنکه این نامه به‌تنهایی، ظرفیت بررسی دقیق در این زمینه را دارد و بیانگر آن است که امام^{علیه السلام} در سفارشات خود به فرزندش امام حسن^{علیه السلام} عنایت خاصی به نهادینه کردن اموری دارد که زندگی اجتماعی انسان‌ها را به سمت تقرب الهی سوق می‌دهد. از این رو در این نوشتار این سؤال طرح شده که امام علی^{علیه السلام} در نامه ۳۱ نهج البلاغه چه ابعادی برای تربیت اجتماعی ترسیم می‌کند و برای هر بعد چه توصیه‌هایی دارد؟ در مقاله حاضر، ابعاد مختلف تربیت اجتماعی، اعم از معرفت اجتماعی، مسئولیت اجتماعی، عدالت اجتماعی، احسان و سازندگی و روابط و مقررات اجتماعی به بحث گذاشته می‌شود.

۱. مفهوم‌شناسی

برخی مفاهیم مطرح در این مقاله که نیاز به توضیح دارند، به شرح زیر است:

۱-۱. نامه ۳۱ نهج البلاغه

نامه ۳۱، وصیت‌نامه حضرت در قالب نامه‌ای طولانی، از پدری که در سن ۶۰ سالگی است به فرزندش امام حسن مجتبی^{علیه السلام} در سن ۳۰ سالگی است و حاوی دستورالعمل‌های اعتقادی، اخلاقی و

اجتماعی و... است. انگیزه حضرت از نگارش این نامه، انجام مسئولیت خویش در ادب‌آموزی فرزند بیان می‌کند و می‌فرماید:

پیش از آنکه دلت سخت شود و خردت به امور دنیا مشغول شود، به ادب‌آموزی ات پرداختم تا با اندیشه‌ای استوار در کارها به امری روی آوری که مردمان کارآموده تو را از طلب و آزمودن آن بی‌نیاز ساخته‌اند، در نتیجه از رنج طلب آسوده گشته، دیگر محتاج آن نیستی که خود آزمون از سرگیری، از این رهگذر به تو فایده‌ای رسد که ما به آن دست یافتیم، و برایت چیزی آشکار شود که بسا بر ما پنهان بوده است (نهج البلاغه، ۱۳۹۰، نامه ۳۱، ص ۵۸۱).

۱-۲. تربیت

تربیت مصدر باب تفعیل، از ریشه ربو یا ربب است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۸۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۴۰) در ریشه ربب معانی حضانت و سرپرستی (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۰۱)، اصلاح و همراهی و بر عهده گرفتن کار (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۸۲)، ایجاد تدریجی و تکامل بخشیدن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۷۷) وجود دارد. در ریشه ربو، معانی زیادت، رشد و نمو و علو به کار رفته است. وجه مشترک هر دو ریشه، کمال‌بخشی، اصلاح و رشد است. مفهوم تربیت در اصطلاح عبارت است از: پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی‌ای را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و ایجاد تعادل و هماهنگی میان آنها تا از این راه، متربی به حد اعلای کمال برسد (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۵۶). امیرالمؤمنین علی (ع) تربیت را نوعی شکوفا نمودن استعدادهای درونی و فطری انسان معنا می‌کند و می‌فرماید:

خداوند پیامبران خود را مبعوث فرمود و هر چند گاه متناسب با خواسته‌های انسان‌ها رسولان خود را پی‌درپی اعزام کرد تا وفاداری به پیمان فطرت را از آنان بازجویند و نعمت‌های فراموش شده را به یادآورند و با ابلاغ احکام الهی حجت را بر آنها تمام نمایند و توانمندی‌های پنهان‌شده عقل‌ها را آشکار سازند و نشانه‌های قدرت خدا را معرفی کنند (نهج البلاغه، ۱۳۹۰، خطبه ۱).

۱-۳. تربیت اجتماعی

انسان اجتماعی زیست می‌کند و برای رفع نیازمندی‌های خود ناگزیر است با گروه‌ها و افراد مختلف جامعه ارتباط داشته باشد. پیچیدگی‌های

شخصیتی انسان‌ها و ماهیت فردی و اجتماعی انسان، مسائل متعددی را برای او ایجاد می‌کند که لازم است برای چگونگی برخورد با این مسائل، تربیت شود. تربیت اجتماعی به معنای رشد ابعاد اجتماعی و شکوفا کردن استعدادهای مدنی و جمعی انسان‌هاست. پرورش جنبه یا جنبه‌هایی از شخصیت انسان که مربوط به زندگی او در جامعه است تا از این طریق، به بهترین شکل، حقوق، وظایف و مسئولیت‌های خود را نسبت به هم‌نوعان خود شناخته و آگاهانه برای عمل به آنها اقدام کند (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۷، ص ۱۱۵). بر این اساس، تربیت اجتماعی در گرو آشنایی با مفاهیم مختلف زندگی گروهی و مزایا و محدودیت‌های زندگی اجتماعی و شناخت گروه‌های اجتماعی و ارزش‌ها و معیارها و قوانین حاکم بر آنهاست. امام علی (ع) با عنایت به این بعد مهم زندگی انسان، مسلمانان را برادرانی معرفی می‌کند که دارای حقوق و تکالیفی نسبت به هم هستند و می‌فرماید: «هر حقی تو به گردن برادرت داری او هم بر گردن تو دارد» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۹۲).

بر این اساس تربیت اجتماعی، بدون شناخت فرصت‌ها و تهدیدهای زندگی اجتماعی در وهله نخست و سپس تعیین موقعیت خود نسبت به اجتماع در قالب مسئولیت‌های اجتماعی امکان‌پذیر نیست. در پژوهش حاضر تلاش شده بر اساس توصیه‌های امیرالمؤمنین علی (ع) به فرزندش امام حسن مجتبی (ع)، این دو مهم استنباط شود و در اختیار مریبان و کسانی که تربیت اجتماعی فرزندان جامعه بر عهده آنان است، قرار گیرد.

۲. معرفت اجتماعی

از مقولات مهم درباره انسان، حیات اجتماعی و نظام‌های آن است، روابط انسانی سه بخش عمده دارد: رابطه انسان با خود، رابطه انسان با خدا، رابطه انسان با جهان، که روابط انسانی و مناسبات اجتماعی، بخشی از رابطه اخیر است که دشوارترین رابطه از نظر معرفتی و سخت‌ترین مناسبات از لحاظ علمی است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۸).

دین اسلام آئینی اجتماعی است و هیچ بخشی از زندگی انسان یافت نمی‌شود که موضوع زیست اجتماعی در آن لحاظ نشده باشد و در بیان احکام دینی، مصالح اجتماعی بیان نشده باشد. از این رو قرآن کریم علاوه بر اینکه به زندگی فردی و تربیت فرد در تهذیب باطن و تعدیل رفتار اهتمام دارد، بر زندگی جمعی نیز تأکید فراوان دارد و در کنار واژگانی همچون قوم، قبیله، شعب، عشیره، ناس، امت، ملت

ب. تأمین نیازها

پیوند زندگی افراد در جامعه، موجب می‌شود که نیازهای مادی و معنوی انسان‌ها در جامعه بهتر و به صورت کامل تأمین شود، درحالی که بعضی نیازها در زندگی فردی یا برآورده نمی‌شود و یا به صورت ناقص برآورده می‌شود.

انسان برای هستی و پیدایش خود به پدر و مادر نیاز دارد و در دوران زندگی نیز به طور مستقیم یا غیرمستقیم (با مساعدت و مشارکت دیگران یا به وسیله اشیای دیگری) باید به تأمین نیازهای مادی یا معنوی خود بپردازد. برای بهره‌وری از مواهب طبیعت نیاز به تعاون و همکاری با دیگران دارد و برای رشد معنوی نیازمند علم و کمالات دیگران است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ج ۳، ص ۲۰-۲۱): چراکه افراد به کارهای مختلف اشتغال دارند و به فرآورده‌های یکدیگر نیازمند می‌شوند و کثرت حوائج انسان به قدری زیاد است که فرد فرد انسان‌ها نمی‌توانند تمام آنها را در زندگی فردی خود برآورده کنند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۱۴۸).

بنابراین اداره زندگی دسته‌جمعی، از طریق تعاون و خدمت متقابل امکان‌پذیر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۱، ص ۵۰). ازاین‌رو قرآن کریم می‌فرماید: «وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُلْطَانًا» (زخرف: ۳۲).

در همین زمینه می‌توان از این سخن امام علی^ع بهره برد که توصیه می‌فرماید مراقب پیوندهای دوستانه میان خودتان باشید که مبادا از هم گسسته شوند و در این زمینه تلاش کن: «اگر برادرت از تو روی گرداند، تو مهربانی کن و اگر بخل ورزید، تو بخشنده باش و اگر دوری کرد، تو نزدیک شو و اگر خطا کرد، عذرش را بپذیر، به گونه‌ای که انگار او صاحب نعمت توست» (نهج البلاغه، ۱۳۹۰، ص ۵۹۰).

ج. توشه‌برداری برای سرای جاوید

هدف علم مدنی، اشاعه خیرات در عالم و ازاله شرور به قدر توان انسان است (خیری، ۱۳۹۳، ص ۲۳)، ازاین‌رو زیست جمعی علاوه بر اینکه بر تداوم زندگی و رسیدن به کمالات انسانی مؤثر است، در کمالات اخروی نیز نقش دارد (طوسی، ۱۳۹۱، ص ۲۵۵).

ترغیب اسلام به روحیه سودرسانی، ایثار، حمایت از افراد آسیب‌پذیر و آسیب‌دیده، تأکید بر ترویج ارزش‌های فرازیستی دارند که نوعی بسترسازی در جهت ایجاد روحیه اجتماعی و توشه‌برداری برای سرای اخروی است.

که مفهوم جامعه را می‌رساند، به بیان احکام فقهی، حقوقی و اخلاقی می‌پردازد که نشان از اهمیت موضوع و اهتمام قرآن به امور اجتماعی دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۳۹-۳۱).

زندگی اجتماعی، موقعیت‌های مختلفی را پیش پای انسان قرار می‌دهد؛ چراکه نحوه مواجهه او مهم است. ازاین‌رو لازم است مربی، مربی را با فرصت‌ها و تهدیدها آشنا سازد.

۲-۱. آشنایی با فرصت‌های زندگی اجتماعی

طبق آیه «وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُلْطَانًا» (زخرف: ۳۲)؛ درجات بعضی را برتر از بعضی قرار دادیم تا یکدیگر را به خدمت گیرند.

زندگی افراد با یکدیگر پیوند دارد، خداوند استعدادها و ارزاق، اموال، صفات، قدرت‌ها و خلاقیت‌ها را میان بندگان تقسیم کرده است، تا انسان‌ها تسخیری متقابل داشته و نیازمند یکدیگر باشند و بستر جامعه، زمینه بروز این تفاوت‌ها و بهره‌گیری و تأمین نیازهاست (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۳۳).

با توجه به این مطلب فرصت‌های زندگی اجتماعی در چند مورد خلاصه می‌شود:

الف. شکوفایی استعدادها

هیچ فردی به تنهایی، توانایی باز کردن ابعاد و به فعلیت رساندن نیروها و استعدادهای خود را ندارد، اگر فرد مستعد از جامعه کناره‌گیری کند یا فضای اجتماع نامساعد باشد، موجب از بین رفتن اندیشه‌ها و بارقه‌های سودمند خواهد شد (خیری، ۱۳۹۳، ص ۸۹).

قرآن ضرورت زندگی اجتماعی و عدم گوشه‌نشینی را برای داشتن جامعه‌ای پاک و الهی، با مبانی اجتماعی که صبغه توحیدی دارد، در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اعتقادی و... مورد توجه قرار داده است و بر مبنای توحید و معادباوری، عدالت، کرامت و تألیف قلوب، ایجاد روابط صحیح و سالم را که ضامن سلامت و سعادت افراد است در دسترس افراد مستعد قرار داده است.

ازاین‌رو رشد، کمال و شکوفایی افراد، در فرایند زندگی اجتماعی و پذیرش مسئولیت‌ها است و سعادت فرد از اجتماع می‌گذرد.

۳. مسئولیت اجتماعی

انسان، موجودی مسئول، در حوزه‌های فردی و اجتماعی است و ویژگی‌های او همانند اراده، انتخاب، آزادی و تکلیف و... براساس اصل اساسی مسئولیت است، مسئولیتی که در قبال خود، طبیعت، دیگران و خدا دارد (ساجدی و کوشا، ۱۳۹۴، ص ۲۲۱).

طبق این اصل اساسی حضرت در فرازهای نامه به این مسئولیت‌ها اشاره دارند و علاوه بر اینکه وظیفه و مسئولیت خود را در قبال تربیت با بیان مواعظ و راهنمایی‌ها، انجام می‌دهند و می‌فرمایند: «هر کاری سرانجامی دارد و باید مراقب آن بود (نهج البلاغه، ۱۳۹۰، نامه ۳۱، ص ۵۹۵).

۳-۱. بایستگی دغدغه‌مندی اجتماعی

در دین اسلام، انسان اگرچه عهده‌دار وظایفی فردی در برابر خداوند است، بخش بزرگ مسئولیت‌های او در قبال دیگران است و یک مسلمان موظف است برای اصلاح جامعه‌اش بکوشد و نسبت به همنوعان خود دغدغه داشته باشد و خود را عضوی از پیکره واحدی بداند که از سویی باید تلاش کند نیازهای دیگر اندام تأمین شود و از سوی دیگر، دقت کند تا اندام‌ها دچار آفت و بیماری نشوند.

پیامبر اکرم ﷺ بر مسئولیت اجتماعی تصریح می‌کنند و می‌فرمایند: همه شما نگهبان هستید و در مورد کسانی که مسئولشان هستید مورد سؤال واقع می‌شوید: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ فَالْإِمَامُ رَاعٍ وَ هُوَ الْمَسْئُولُ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَ الرَّجُلُ فِي أَهْلِهِ رَاعٍ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَ الْمَرْأَةُ فِي بَيْتٍ رَوْحُهَا رَاعِيَةٌ وَ هِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْ رَعِيَّتِهَا وَ...» (ابن ابی‌جمهور احسائی، ۱۴۰۵ق، ص ۱۲۹).

تربیت اجتماعی با مقوله مسئولیت اجتماعی ارتباطی انفکاک‌ناپذیر دارد و افراد جامعه اسلامی باید در حد امکان و مطابق با وظایف خود در اصلاح و رشد جامعه قدم بردارند (شکری، ۱۳۹۹، ص ۱۴۰) و آنچه در حیطه مسئولیت و دغدغه‌مندی اجتماعی، در معارف اسلامی به‌عنوان عنصری سازنده معرفی شده است، امر به معروف و نهی از منکر است که قرآن می‌فرماید: «باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و رستگاران آنها هستند» (آل‌عمران: ۱۰۴)؛ و حضرت امیر نیز به این اخلاق اجتماعی اشاره دارند و می‌فرمایند: «به کار نیک امر کن... و با دست و زبانت از بدی بازدار» (نهج البلاغه، ۱۳۹۰، نامه ۳۱، ص ۵۸۱).

همان‌گونه که امیرالمؤمنین ﷺ می‌فرمایند: «اگر از مستمندان کسی را یافتی که توشه‌ای از جانب تو به قیامت برد و در آن روز، هنگام نیاز به تو رساند، وجود او را غنیمت شمار و بار را به او بسپار و تا می‌توانی در افزایش زاد و توشه او بکوش، شاید روزی او را بجویی و نیابی» (نهج البلاغه، ۱۳۹۰، نامه ۳۱، ص ۵۸۹).

از نظر قرآن، هدف از زندگی اجتماعی، تقرب به ذات الهی و دستیابی به ملکات نفسانی است، از این رو می‌فرماید: «ای مردم، ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (اینها ملاک برتری نیست)، گرامی‌ترین شما نزد خدا باتقواترین شماست» (حجرات: ۱۳).

بنابراین رعایت امور و مناسبات اجتماعی براساس تقوا و پابندی به احکام و حقوق و اخلاق اجتماعی، مزیت حقیقی و بالابرنده انسان است و او را به سعادت حقیقی و حیات طیبه و ابدی در جوار رحمت الهی می‌رساند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۹۰).

۲-۲. آشنایی با تهدیدهای زندگی اجتماعی

محیطی که انسان با آن در ارتباط است اثر فوق‌العاده‌ای در روحیات و اعمال انسان دارد؛ چراکه بسیاری از صفات از محیط کسب می‌شود و اگرچه شرایط محیطی، علت تامه در خوب یا بد شدن انسان نیست، اما عاملی مهم و زمینه‌ساز است (امیری، ۱۳۹۲، ص ۱۳۹). بنابراین لازم است به منظور صیانت فرزندان از انحرفات فکری، اخلاقی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... ابتدا محیط خانه را بستری سالم و مناسب رشد ساخت و سپس مربی را نسبت به خطرات محیط ناسالم دوستان و محیط کار و... متنبه ساخت، خطراتی چون فضای مجازی، اعتیاد، انحرفات جنسی، فرقه‌های ضاله و...

در توصیه‌های حضرت امیر در نامه ۳۱، مینا قرار دادن اصولی همچون کرامت، حرمت، عزت نفس و اصالت و... و بیان کردن معیارهای روابط اجتماعی، در جهت جلوگیری از آسیب‌ها و تهدیدهای روابط اجتماعی و پیشگیری از انحطاط‌های جامعه است. بنابراین مربی باید بداند در اثر تأثیر و تأثر اجزاء، واقعیت جدید و زنده‌ای پدید می‌آید که روح جدید و شعور و وجدان و اراده و خواست جدید پدید می‌آورد و بر شعور و وجدان افراد غلبه می‌یابد (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۲۹) که اگر تقوا نباشد، از هدف زندگی اجتماعی که مد نظر قرآن است و آن تقرب به ذات الهی و دستیابی به ملکات نفسانی است بی‌بهره می‌ماند.

یکی از نکات مورد اشاره حضرت در زمینه همکاری و مشارکت اجتماعی، تعیین مسئولیت‌هاست، حضرت می‌فرماید: برای هر کدام از خدمتگزاران، مسئولیتی تعیین کن که بتوانی او را در برابر آن کار مسئول بدانی، که تقسیم کار صحیح موجب می‌شود، کارهای را به یکدیگر وانگذارند و سستی نکنند (نهج البلاغه، ۱۳۹۰، نامه ۳۱، ص ۵۸۴).

۴. عدالت اجتماعی

از دیگر اصول و ارزش‌های جامعه، عدالت اجتماعی است که دوام و بقای جامعه به آن بستگی دارد و هماهنگی و تعادل میان اجزای یک کل را به وجود می‌آورد.

۴-۱. آشنایی با ضرورت عدالت اجتماعی

از آنجاکه اجتماع انسانی دربرگیرنده عواطف، احساسات و نگرش‌های متفاوت است، ساماندهی امور اجتماعی، نیازمند حساب و منطقی دقیق است تا حقوق اجتماعی افراد، در سایه عدالت‌خواهی همه افراد، به‌خصوص حاکمان و مجریان قانون حفظ شود. از این‌رو عدالت مفهومی مقدس در آموزه‌های اسلامی و یکی از اهداف فرستادن انبیاء اقامه عدل و داد در جامعه است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵)، تا از هرج و مرج‌ها و آشفتگی‌های رفتاری و ناهنجاری‌ها، که اجتماع انسانی را از مطلوب اخلاقی دور می‌کند، برحذر دارد.

در آیات قرآن و کلام معصومان (ع) چهره‌های مختلفی از عدل تکوینی «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ» (الرحمن: ۷)، تشریعی «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ» (اعراف: ۲۹)، اخلاقی و اجتماعی «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل: ۹۰) وجود دارد. از این‌رو حضرت فرزند خود را در تعامل اجتماعی، برای حفظ انصاف و عدالت، بر موضوع خود - دیگر معیارنگری، رهنمون می‌کند تا فرزند در هنگام رویارویی با دیگران، خود را در موقعیت فرضی آنها دیده و ارزیابی کند و از بسیاری از نگرش‌ها، داور‌ها و واکنش‌های غیرمنصفانه و ناعادلانه پرهیز نماید (ساجدی و کوشا، ۱۳۹۴، ص ۲۰۴). راهبردی که در موقعیت‌های مختلف اجتماعی در ابعاد سیاسی، اخلاقی، اقتصادی ارتباطات خرد و کلان حافظ و باسط عدالت است و از وظایف مسلمانان است که با انسان‌ها به جهت انسان بودن آنها به عدالت رفتار شود و از ظلم و جور پرهیز شود و بر این مبناست که فرمود: «پسر! خود را میزان میان

بر اساس این اصل اجتماعی، آمادگی فهم و پذیرش مسئولیت اجتماعی در فرزند به وجود می‌آید و از اهداف مهم تربیت اجتماعی، پرورش افرادی است که نسبت به امور سایر افراد جامعه، دغدغه‌مند بوده و حساس باشند، در این صورت یک نظام کنترل و ارشاد در جامعه محقق می‌گردد و با جلوگیری از ظلم و فساد، محیطی سازنده برای تمام افراد جامعه را فراهم می‌سازد.

۳-۲. بایستگی همکاری و مشارکت

همکاری و مشارکت، اصلی اجتماعی و اساس زندگی بشر است که عامل اصلی پیشرفت و ترقی جوامع انسانی است، لازمه اجتماعی بودن انسان این است که کارها به شکل جمعی و با مشارکت و تعاون انجام گیرد و بر این اساس است که نظام اسلام قوانین اجتماعی خود را بر اصل مشارکت استوار نموده است، و برای به وجود آمدن جامعه‌ای ایدئال و متمدن که صرفاً گرد آمدن و جمع شدن فیزیکی نیست و جامعه‌ای انسانی را رقم می‌زند، چنین شعاری سر می‌دهد که «همواره در راه نیکی و پرهیزگاری به یکدیگر کمک کنید» (مائده: ۲)، و «امورشان با مشورت در میان آنها انجام گیرد» (آل عمران: ۱۵۹).

از این‌رو در عرصه تربیت اجتماعی مورد توجه قرار دادن اصل مشارکت و همت در پرورش روحیه همکاری در کودکان لازم است. بنابراین قرار گرفتن مرتبی در محیط‌های اجتماعی خانواده، اقوام، دوستان، محافل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی همانند نماز جمعه و جماعت و... در شکل‌گیری روحیه مشارکت در او مؤثر است.

از این‌روست که امیرالمؤمنین (ع) به منظور شکل‌گیری صحیح این روحیه، توصیه‌هایی اخلاقی در بیان حقوق اجتماعی و برادران دینی دارند و مشارکت و همکاری را در امور نیک سفارش و در امور منکر نهی می‌نمایند. (نهج البلاغه، ۱۳۹۰، نامه ۳۱، ص ۵۸۱).

از این‌رو در تربیت اجتماعی، لازم است توانایی انجام رفتارهای مطلوب، یعنی رفتارهایی که مطابق با شرع و قوانین و اخلاق اسلامی است، توسط مرتبی، بروز یابد تا روابط مطلوب با سایرین برقرار گردد، از جمله این رفتارها تعاون و همکاری، همدلی و همیاری، سخاوت، دوری از تمسخر، بخل، خودپسندی و... است که به‌عنوان مهارت‌های اجتماعی و زیرمجموعه ارزش‌های اخلاقی به‌شمار می‌روند و آداب معاشرت وارد شده در متون دینی، بیانگر فنون و راهکارهایی در جهت کسب مهارت ارتباط اجتماعی و ارتقای کیفیت آن هستند.

۱۳۸۶، ج ۲، ص ۷۸). احسان جامع‌ترین و گسترده‌ترین واژه در باب نیکی کردن است (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۴۹) و مصادیق زیادی دارد، با توجه به آیات و احادیث مرتبط احسان دو معنا دارد:

۱. انجام کارهای پسندیده و امور خوشایند که دیگران هم بهره ببرند؛ ۲. انجام عمل به وجه حسن و نیکو، بدون هیچ قصد سوئی (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۱۸۹)، و اتقان و استحکام در امور (رشیدرضا، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۱۴). آنچه عرف جامعه از معنای احسان دارند، نیکوکاری و دستگیری از مستمندان و نیازمندان یعنی انفاق کردن - از مصادیق احسان - می‌باشد، در ذیل نیز همین معنا مورد توجه است.

۵-۱. عادت‌دهی به احسان‌گری و سازندگی اجتماعی
احسان، آثار و پیامدهای فردی و اجتماعی بسیاری دارد، تقویت تعاون و مشارکت عمومی، همدلی و وحدت اجتماعی، اصلاح اجتماع، اخوت و پیوند قلوب، دشمن‌زدایی، آبادانی و... (زینلی، ۱۳۹۸، ص ۹۵-۱۰۹) از آثار آن در بعد اجتماعی می‌باشد.

حضرت علی^{علیه السلام} در توصیه‌های مربوط به روابط اجتماعی به نیکی کردن سفارش می‌کنند و می‌فرمایند: «أَحْسِنَ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسِنَ إِلَيْكَ» (نهج البلاغه، ۱۳۹۰، نامه ۳۱، ص ۵۹۴) (همان‌گونه که می‌خواهی به تو نیکی شود تو نیز به دیگران نیکی نما) و در نیکی تلاش کن: «لَا يَكُونَنَّ عَلَى الْإِسَاءَةِ أَقْوَى مِنْكَ عَلَى الْإِحْسَانِ» (همان‌گونه که قرآن کریم می‌فرماید: «أَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ» (قصص: ۷۷)؛ همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن. تقاضای حال دیگران را نادیده نگیر و از مواهب عظیمی که خداوند به تو بخشیده در برنامه‌های عظیم اجتماعی به کار گیر (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱، ج ۱۶، ص ۱۵۷).

در آیه «أَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ» (قصص: ۷۷) با یادآوری احسان الهی در حق انسان، دعوت به احسان بر دیگران صورت گرفته است، و احسان را طریقی برای آخرت‌طلبی معرفی می‌کند (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۹۴). امیرالمؤمنین^{علیه السلام} نیز در فرازی از نامه، پرده از پیامد فردی و کارکرد اخروی انفاق برداشته و می‌فرماید: «اگر از مستمندان کسی را یافتی که توشه‌ای از جانب تو به قیامت برد و در آن روز، هنگام نیاز، آن را به تو رساند، وجود او را غنیمت شمار و بار را به او بسپار... و هر کس از تو در حال توانگری ات وامی بخواهد

خود و دیگران قرار بده، آنچه برای خود می‌پسندی برای دیگران نیز بپسند و آنچه برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران نیز نپسند، همان‌گونه که نمی‌خواهی بر تو ستم شود، تو نیز به دیگران ستم نکن، و همان‌گونه که می‌خواهی به تو نیکی شود تو نیز به دیگران نیکی نما. کاری که از دیگران زشت می‌شماری، از خودت نیز زشت شمار» (نهج البلاغه، ۱۳۹۰، نامه ۳۱، ص ۵۸۷).

۴-۲. معرفت‌دهی نسبت به حقوق و تکالیف

در آموزه‌های اسلامی، وظایف و مسئولیت‌های افراد نسبت به یکدیگر در قالب حقوق متقابل تعریف شده است و برخورداری از هر حق، بنا بر نقش و جایگاه فرد در اجتماع، تکلیفی را بر عهده دیگران قرار می‌دهد، مانند حق والدین بر فرزندان، فرزندان بر والدین، عالمان بر جاهلان، ثروتمندان بر فقیران و... که موظف و مسئول بر رعایت آن هستند و این حقیقتی است که فرد چه نسبت به آن آگاه باشد یا غافل، بر عهده او ثابت است» «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ».

از این رو با مبنا قرار دادن این موضوع در تربیت اجتماعی، می‌توان متربی را نسبت به تکالیف و مسئولیت‌هایش آشنا ساخت و زمینه مسئولیت‌پذیری را در او به وجود آورد. از این‌روست که حضرت در نامه حقوقی را برمی‌شمارند و حق برادر دینی را آن‌قدر بزرگ می‌دانند که تضییع آن را برابر با تزلزل و از بین رفتن پایه‌های اخوت برمی‌شمارند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۶۵۸) و می‌فرمایند: «آنکه حقش را تباه ساخته‌ای دوست (برادر) تو نباشد» (نهج البلاغه، ۱۳۹۰، نامه ۳۱، ص ۵۹۵)؛ چراکه حق مؤمن از کعبه بزرگتر است (کوفی اهوازی، ۱۴۰۲ق، ص ۴۲).

از آنجاکه افراد قابلیت‌ها و ظرفیت‌های متفاوتی دارند و همه در شناخت و ادای وظایف اجتماعی خود موفق نیستند، نظارت اجتماعی و قانون‌گذاری لازم است، این تلازم در آیه ذیل نمایان است: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (توبه: ۷۱)؛ مردان و زنان باایمان، ولی (یار و یاور) یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.

۵. احسان و سازندگی

تعاون، احسان، ایثار و... لازمه مجموعه‌ای هدفمند و هماهنگ است، و زندگی اجتماعی بر پایه این موارد تحقق می‌پذیرد (جوادی آملی،

۶. تنظیم روابط و مقررات اجتماعی

مقررات اجتماعی با مرزگذاری، از تنش‌ها و برخوردها جلوگیری می‌کند و وجود قوانین و نظارت بر اجرای آنها، روابط اجتماعی را سامان می‌بخشد. در اولین اجتماع انسانی، یعنی خانواده نیز وجود مقررات در حفظ وحدت میان اعضای خانواده مؤثر بوده و نظارت و مراقبت از طریق امر به معروف و نهی از منکر در تربیت اجتماعی فرزندان نقش بسزایی دارد که در ادامه مورد توجه قرار می‌گیرد:

۶-۱. حفظ وحدت و رفع اختلاف

همدلی، انسجام و همبستگی در میان اعضای خانواده، موجب تعاون، تکافل و احساس مسئولیت در قبال خویشاوندان و اتحاد یکپارچگی با افراد جامعه می‌شود (ساجدی و کوشا، ۱۳۹۴، ص ۲۴۲-۲۴۳)، از این رو امیرالمؤمنین (ع) در روزهای آخرین عمر خویش تمام فرزندان، خاندان و کسانی که وصیت حضرت به آنها می‌رسد را به تقوا و وحدت سفارش می‌کنند (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۶ ص ۱۲۰).

والدین به‌عنوان مربیان اصلی فرزندان، خود با حسن معاشرت، نظم و انضباط، ایجاد روحیه مشورت و عفو و گذشت، حاکمیت صداقت و پرهیز از سوءظن، اصل قرار دادن محبت و احسان و آشنا بودن و آشنا ساختن با حقوق و وظایف در حفظ وحدت و رفع اختلاف میان اعضای خانواده مدد می‌رسانند (حسن‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۴۵).

امام علی (ع) با میزان قرار دادن نفس در روابط اجتماعی، به حفظ انسجام اجتماعی توصیه می‌کند، آنجا که می‌فرماید: «فرزندم، نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرار بده، آنچه برای خود دوست داری، برای دیگران نیز دوست بدار، و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی برای دیگران هم می‌پسند، ستم روا مدار، آن گونه که دوست نداری به تو ستم شود» (نهج البلاغه، ۱۳۹۰، نامه ۳۱، ص ۵۸۵).

۶-۲. امر به معروف و نهی از منکر

هدف اصلی معصومان (ع)، اصلاح جامعه و هدایت فضای روابط به سمت سعادت فردی و اجتماعی بوده است. از این رو بر امر به معروف و نهی از منکر، که بارزترین نماد احساس مسئولیت در قبال دیگران است، سفارش و وصیت کرده‌اند (ساجدی و کوشا، ص ۲۴۴).

امیرالمؤمنین علی (ع) در وصیت خود بیان می‌فرماید که هر فردی باید امر به معروف کند و از عاملان به آن باشد و نیز با دست

وجودش را مغتنم شمار و نیازش را برآور تا در روز دشواریت آن را به تو پردازد» (نهج البلاغه، ۱۳۹۰، نامه ۳۱، ص ۵۸۹).

شاهد مثال قرآنی مطلب بسیار است، از جمله فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از آنچه به شما روزی داده‌ایم، انفاق کنید، پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن، نه خرید و نه فروشی هست، و نه دوستی سودی دارد» (بقره: ۲۵۴).

۵-۲. پرورش روحیه میانه‌روی در احسانگری

متربی باید بداند رعایت تعادل در احسانگری به‌منظور حفظ سلامت جامعه و اقتصاد آن، لازم است؛ چراکه اگر اساس زندگی اجتماعی فقط بر اصل احسان باشد، انگیزه مشارکت و فعالیت در زندگی اجتماعی ضعیف می‌شود و تن‌آسایی، راحت‌طلبی، چاپلوسی و... رواج می‌یابد و وابستگی ایجادشده خلاقیت و ابتکار را از بین می‌برد و بهره‌گیری از دستاوردهای دیگران، نظام اجتماعی را به هم می‌ریزد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، الف، ج ۳، ص ۱۳). از سوی دیگر، سخاوتهای جاهلانه و اسراف در انفاق، موجب از بین رفتن سرمایه و فقر می‌شود، که نتیجه آن اضافه شدن فقر به جامعه و انحطاط حیات است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۹۳).

همان‌گونه که قرآن کریم از تمام رفتارهای مبتنی بر افراط و تفریط نهی می‌کند و می‌فرماید: «وَ أَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره: ۱۹۵)؛ و در راه خدا انفاق کنید، و خود را به دست خود، به هلاکت نیفکنید و نیکی کنید که خداوند نیکوکاران را دوست دارد.

پیشوایان دینی، از طرفی بر رعایت اعتدال و تأمین نیازها و حقوق خانواده در حد متعارف و دوری از رهبانیت و ترک فعالیت سفارش کرده‌اند و از سویی به تعادل در انفاق تشویق نموده‌اند، همان‌طور که در تفسیر آیه بالا، امام صادق (ع) محسنین را مقتصدین (میانه‌روها) معرفی می‌کنند (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۸۷).

بنابراین متربی با شناخت موقعیت و کنترل رفتارهای هیجانی و احساسی، علاوه بر اینکه می‌تواند به احسانگری و سازندگی عادت کند، می‌تواند روحیه متعادلی در این زمینه کسب کند. امام علی (ع) می‌فرماید: «هر کس میانه‌روی را ترک کند، از راه درست منحرف شده است» (نهج البلاغه، ۱۳۹۰، نامه ۳۱، ص ۵۹۰).

الطَّعَامُ الْحَرَامُ» (نامه ۳۱، ص ۵۹۲)، ظلم و ستم: «لَا تَظْلِمُ» (نامه ۳۱، ص ۵۸۶) و... می‌باشد.

بنابراین حضرت از این اصل عملی و وظیفه شرعی برای تشویق و ترغیب و کنترل فردی و اجتماعی استفاده می‌کنند.

۳-۶. رعایت آداب مهمانی در تربیت

روش تعلیم، از روش‌های مهم در تربیت و آموزش، خصوصاً در تربیت اجتماعی است و لازم است مرتبی به منظور حضور در اجتماع و تشکیل ارتباطات صحیح، آداب اجتماعی را فراگیرد (رضایی، ۱۳۹۳، ص ۲۷۱). آداب اجتماعی ابعاد گسترده‌ای دارد، از جمله مواردی که اسلام درباره آن برنامه دارد، مهمانی است که به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

الف. سلام کردن

سلام کردن مهارتی اجتماعی است که در جذب مخاطب و ایجاد ارتباطی مطلوب، موفقیت‌ساز است و در موقعیت‌های مختلف مورد سفارش قرار گرفته است، از جمله هنگام ورود به منزل دیگران: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَ تَسَلِّمُوا» (نور: ۲۷)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در خانه‌هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید.

همچنین بر پیشی گرفتن کوچک‌تر بر بزرگ‌تر در سلام کردن سفارش شده است و سلام کردن هنگام رویارویی با افراد نشانه تواضع برشمرده شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۴۶) که احترام و ادبی اجتماعی است.

امام علی^{علیه السلام} در توصیه به کارگزاران خود به این ادب اشاره می‌کند و می‌فرماید: وقتی به آبادی رسیدی... به آنها سلام کن و در سلام و تعارف و مهربانی کوتاهی نکن (نهج البلاغه، ۱۳۹۰، نامه ۲۵).

ب. اجازه گرفتن

سلام کردن و اجازه گرفتن، مقدمه‌ای برای ورود به حریم دیگران است. مرتبی باید بداند اگر درخواستش اجابت نشد، نباید داخل شود و باید برگردد، همان‌گونه که در سوره نور، آیه ۲۷ دستور به اذن و سلام وارد شد و پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} در کلامی سفارش کرده‌اند که برای ورود به منزلی، سه بار اذن باید گرفت و اگر اذن ندادند باید برگشت، و وقتی فرد از پشت در طلب اذن می‌کند به در خیره نشود.

و زبان و دوری از عامل آن، نهی کند: «وَأْمُرَ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنْ مِنْ أَهْلِهِ وَ أَنْكَرِ الْمُنْكَرَ يَبْدِكَ وَ لِسَانِكَ وَ بَايِنَ مِنْ فِعْلِهِ بِجَهْدِكَ» (نهج البلاغه، ۱۳۹۰، نامه ۳۱، ص ۵۸۰). همان‌گونه که قرآن کریم می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران: ۱۰۴)؛ باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند. و این دیدگاه اسلام است که همه مردم در برابر یکدیگر مسئولیت دارند و به طریق اولی والدین به عنوان رئیس و سرپرست خانواده، وظیفه دارند با نظارت مستمر، از فساد در عرصه اخلاق و معنویت و امور مادی فرزندان جلوگیری کرده یا به معالجه برخیزند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۳۳).

قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْجِبَارَةُ» (تحریم: ۶)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگه دارید.

طبق تفسیر آیه، امر به اطاعت از خدا و نهی از معصیت او (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۸، ص ۱۰۶؛ صنعانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۲۴۲)، و تبعیت از سنن (تستری، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۷۱)، امر به آنچه خدا امر کرده و نهی از آنچه خدا نهی کرده (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۷۷)، موجبات نجات از عذاب الهی هستند. در سراسر نامه ۳۱ نیز روش تربیتی امر به معروف و نهی از منکر، در کلام حضرت نمایان است. برای مثال امور معروفی که حضرت به آن امر کرده‌اند: توحید: «لَوْ كَانَ لِرَبِّكَ شَرِيكٌ لَاتَّكَ رُسُلُهُ»؛ «وَأَعْلَمَ أَنَّ مَالِكَ الْمَوْتِ هُوَ مَالِكُ الْحَيَاةِ وَ أَنَّ الْخَالِقَ هُوَ الْمُمَيَّتُ إِنَّ الْمُقْنَى هُوَ الْمُعَيَّدُ وَ أَنَّ الْمُتَبَلَّى هُوَ الْمُعَافَى» (نهج البلاغه، ۱۳۹۰، نامه ۳۱، ص ۵۸۴)، ولایت: «فَأَرْضَ بِهِ رَائِدًا وَ إِلَى النَّجَاةِ قَائِدًا» (نامه ۳۱، ص ۵۸۴)، معاد: «إِنَّمَا خُلِقْتَ لِلْآخِرَةِ لَا لِلدُّنْيَا» (نامه ۳۱، ص ۵۹۰)؛ «وَالْجَزَاءُ فِي الْمَعَادِ» (نامه ۳۱، ص ۵۸۴)، بخشش، خیرخواهی، احسان: «وَأَمَحِضْ أَخَاكَ النَّصِيحَةَ»؛ «عِنْدَ الْجُمُودِ عَلَى الْبَذْلِ»؛ «وَلَا يَكُونَنَّ عَلَى الْإِسَاءَةِ أَقْوَى مِنْكَ عَلَى الْإِحْسَانِ» (نامه ۳۱، ص ۵۹۴) و... است و امور منکری که از آن نهی نموده‌اند: خودپسندی و غرور: «وَأَعْلَمَ إِنَّ الْإِعْجَابَ ضِدُّ الصَّوَابِ وَ أَقْفُ الْأَلْبَابِ» (نامه ۳۱، ص ۵۸۶)، سخن بی‌ارزش و خنده‌آور: «إِنَّا أَنْ تَذَكَرَ مِنَ الْكَلَامِ مَا يَكُونُ مُضْحِكًا وَ إِنْ حَكَمْتَ ذَلِكَ عَنْ غَيْرِكَ» (نامه ۳۱، ص ۵۹۶)، مال حرام: «بِئْسَ

همان‌طور که حضرت روبه‌روی در نمی‌ایستادند، بلکه راست یا چپ در منتظر پاسخ می‌ماندند. (طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۱۹۴).

ج. آداب خوردن و آشامیدن

آداب و سنن در این باب بسیار است، از جمله شستن دست قبل و بعد از غذا، (مجلسی، ۱۳۷۸، ص ۶۲)، شروع غذا با گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» و اتمام آن با گفتن «الحمد لله» (مجلسی، ۱۳۷۸، ص ۶۶)، از طعام جلوی خود خوردن و از پیش کسی چیزی برنداشتن (مجلسی، ۱۳۷۸، ص ۹۵)، و تحکیم نکردن بر صاحب خانه (مجلسی، ۱۳۷۸، ص ۹۲) از آدابی است که متربی باید فراگیرد.

پرهیز از لقمه حرام، در خوردن و آشامیدن‌ها بسیار مهم است حضرت می‌فرماید: «بدترین غذا لقمه حرام است» (نهج البلاغه، ۱۳۹۰، نامه ۳۱، ص ۵۸۲).

د. آداب مجالست و همنشینی

هنگام ملاقات یکدیگر سفارش شده است که علاوه بر سلام کردن، مصافحه کنید و بشاشت و خوشحالی نشان دهید» (مجلسی، ۱۳۷۸، ص ۳۶۲)، مصافحه کردن موجب ریزش گناهان و از بین رفتن کینه از سینه است (مجلسی، ۱۳۷۸، ص ۳۶۳)، وقتی مهمان به خانه شخصی وارد می‌شود، هر جا که صاحب خانه می‌فرماید، بنشیند، که او نیک و بد خانه خود را بهتر می‌داند (مجلسی، ۱۳۷۸، ص ۳۶۷).

کم‌گویی و به‌گویی در همنشینی‌ها از توصیه‌های حضرت است؛ امام ع می‌فرماید: آنچه با سکوت از دست می‌دهی، آسان‌تر از آن است که با سخن از دست بروی؛ چراکه نگه‌داری آنچه در مشک است، با محکم بستن دهانه آن امکان‌پذیر است» (نهج البلاغه، ۱۳۹۰، نامه ۳۱، ص ۵۸۳).

نتیجه‌گیری

اجتماعی بودن انسان در متن خلقت و آفرینش اوست و این ویژگی، زندگی اجتماعی را شکل می‌دهد که محفوف به فرصت‌ها و تهدیدهایی است، فرصت‌هایی همچون شکوفایی استعدادها، تأمین نیازها و تهدیدهایی همانند انحرافات اخلاقی و فرهنگی است.

آنچه از قرآن و سخنان امام علی ع در نامه ۳۱ نهج البلاغه در زمینه تربیت اجتماعی برداشت می‌شود آن است که امور مختلفی در

ابعاد مختلف زندگی اجتماعی باید لحاظ شود و مسائل مربوط به آن به متربیان آموزش داده شود. در بعد مسئولیت اجتماعی، افراد جامعه باید نسبت به جامعه خود دغدغه‌مند بوده و در امور آن همکاری و مشارکت داشته باشند تا اصلاح و پیشرفت صورت گیرد. در بعد عدالت اجتماعی، باید دانسته شود که عدالت عامل بقا و دوام جامعه است و رعایت حقوق و تکالیف موجب رسیدن جامعه به مصالح مادی، معنوی و کمال نهایی خود است. در بعد احسان و سازندگی این امر قابل توجه است که احسان از عوامل بقا، جاودانگی و سرافرازی ملت‌هاست و آثار مثبت زیادی دارد، از این‌رو عادت‌دهی متربی به این فریضه و روحیه میانه‌روی در آن، حافظ سعادت جامعه و اقتصاد آن است. در زمینه تنظیم روابط و مقررات اجتماعی، وجود قوانین و نظارت بر اجرای آنها، بر تربیت اجتماعی فرزندان نقش بسزایی دارد، موجب حفظ وحدت و رفع اختلاف بوده و امر به معروف و نهی از منکر و رعایت آداب مهمانی از جمله موارد تنظیم روابط می‌باشند.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
 نهج البلاغه (۱۳۹۰)، ترجمه علی شیروانی. قم: معارف.
 ابن ابی‌الحدیث، عبدالحمید بن هبة الله (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه. ترجمه غلامرضا لایقی. تهران: کتاب نیستان.
 ابن ابی‌جمهور احسائی، محمد بن زین‌الدین (۱۴۰۵ق). عوالی اللتالی العزیزیه فی الأحادیث الدینییه. تصحیح مجتبی عراقی. قم: سیدالشهداء.
 ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول. تصحیح علی‌اکبر غفاری. چ دوم. قم: جامعه مدرسین.
 ابن‌فارس، احمد بن زکریا (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. تصحیح عبدالسلام محمد هارون. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
 ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. چ سوم. بیروت: دار صادر.
 اسماعیلی‌فر، سمیه (۱۳۹۰). روش‌های تربیت اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. قم: دانشکده علوم حدیث.
 افخمی اردکانی، محمدعلی (۱۳۸۶). تبیین مبانی و اصول تربیت اجتماعی در نهج البلاغه. تربیت اسلامی، ۴(۲)، ۳۹-۷.
 امیری، دادمحمد (۱۳۹۲). نقش محیط در تربیت از منظر قرآن کریم. سفیر نور، ۲۶ و ۲۸، ۱۲۹-۱۵۲.
 اناری‌نژاد، عباس (۱۳۸۶). تربیت اجتماعی از منظر نهج البلاغه. تربیت اسلامی، ۴(۲)، ۱۶۳-۱۹۲.
 بهرام، احمدعلی (۱۳۹۲). بررسی تربیت مدنی از دیدگاه امام علی ع با تأکید بر نهج البلاغه. پژوهشی در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۸(۲)، ۹۱-۶۹.

- تستری، سهل بن عبدالله (۱۴۲۳ق). *تفسیر التستری*. تحقیق عیون سود و محمد باسل. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). *تفسیر تسنیم*. تحقیق علی اسلامی. چ ششم. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). *جامعه در قرآن*. تحقیق و تنظیم مصطفی خلیلی. چ سوم. قم: اسراء.
- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۷۷). *درآمدی به نظام تربیتی اسلام*. تهران: دفتر تحقیقات و تدوین متون درسی.
- حسن‌زاده، صالح (۱۳۹۲). عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی. *پژوهشنامه معارف قرآنی*، ۱۵، ۶۸-۴۵.
- حیدری، مسعود (۱۳۹۱). روش‌های تربیت اجتماعی کودک بر اساس قرآن و نهج البلاغه، ۶ (۹)، ۱۸۱.
- خیری، حسن (۱۳۹۳). *مبانی نظام اجتماعی اسلام*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن*. بیروت: دارالعلم.
- رشیدرضا، محمدرضا (۱۴۱۴ق). *تفسیر المنار*. بیروت: دارالمعرفه.
- رضایی، مهدیه (۱۳۹۳). *قرآن و تربیت اجتماعی کودک*. قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- زارع، سعیده (۱۳۹۷). *روش‌های تربیت اجتماعی کودکان و نوجوانان بر اساس قرآن و نهج البلاغه*. تهران: ندای کارآفرین.
- زینلی، فاطمه (۱۳۹۸). *نقش احسان در زندگی مادی و معنوی انسان براساس آموزه‌های قرآنی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد الهیات (گرایش علوم قرآن و حدیث). آران و بیدگل: دانشگاه پیام نور.
- ساجدی، ابوالفضل و کوشا، غلام‌حیدر (۱۳۹۴). *تربیت اجتماعی در خانواده و شاخص‌های آن*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- شکری، سمیه (۱۳۹۹). *اصول تربیت اجتماعی در قرآن با محوریت تفسیر تسنیم*. پایان‌نامه سطح ۳. ارومیه: مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن الزهراء.
- صنعانی، عبدالرزاق بن همام (۱۴۱۲ق). *تفسیر القرآن العزیز*. بیروت: دارالمعرفه.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵ق). *مشکاة الانوار فی غرر الأخبار*. چ دوم. نجف: المكتبة الحیدریه.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۱ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفه.
- طوسی، نصیرالدین (۱۳۹۱). *اخلاق ناصری*. تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری. چ هفتم. تهران: خوارزمی.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). *تفسیر عیاشی*. تحقیق سیدهاشم رسولی. تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). *تفسیر القمی*. تصحیح طیب موسوی جزائری.
- چ سوم. قم: دارالکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الاصول من الکافی*. تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی. چ چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کوفی اهوازی، حسین بن سعید (۱۴۰۲ق). *الزهد*. تصحیح غلامرضا عرفانیان یزدی. چ دوم. قم: المطبعة العلمیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۸). *حلیه المتقین*. تصحیح مهدی معینیان. چ چهارم. تهران: باقرالعلوم.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ب). *بزرگترین فریضه*. تحقیق و نگارش قاسم شبان‌نیا. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱الف). *اخلاق در قرآن*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). *مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی*. چ چهاردهم. تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. چ دهم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۰). *پیام امام امیرالمؤمنین*. چ سوم. قم: امام علی ابن ابی‌طالب.